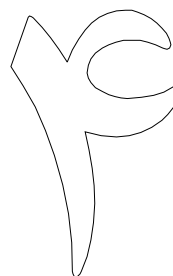


## تغییر اقلیم و امنیت زیست‌محیطی جنوب شرق آسیا؛ واکاوی فعالیت‌های آسه‌آن



بهاره سازمند\*

### چکیده

هدف اصلی مقاله، پرداختن به فعالیت صورت‌گرفته توسط آسه‌آن در خصوص تغییر اقلیم است. بنابراین تلاش می‌شود با روشی توصیفی - تحلیلی به این پرسش پاسخ داده شود که آسه‌آن به‌عنوان سازمان منطقه‌ای جنوب شرق آسیا چه اقدام‌های عملی مؤثری را در خصوص پدیده تغییر اقلیم انجام داده است؟ به‌منظور پاسخ به پرسش اصلی مقاله، مطالب در پنج مبحث ارائه می‌شود. در مبحث نخست، موضوع بازنگری در مقوله امنیت در حوزه روابط بین‌الملل و تعریف گسترده‌تر از این مفهوم ارائه می‌شود. در مبحث دوم، موضوع امنیت زیست‌محیطی به‌عنوان یکی از محورهای امنیت در روابط بین‌الملل بررسی می‌شود. در مبحث سوم، موضوع تغییر اقلیم به‌عنوان یک تهدید برای امنیت زیست‌محیطی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در مبحث چهارم، مخاطرات ناشی از تغییر اقلیم در منطقه جنوب شرق آسیا مورد توجه قرار می‌گیرد و در مبحث پنجم، اقدام‌های صورت‌گرفته توسط آسه‌آن در خصوص تغییر اقلیم در قالب دو دسته اقدام‌های سیاست‌گذاری هنجاری و توسعه نهادی و سازمانی ارائه می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** امنیت زیست‌محیطی، تغییر اقلیم، امنیت انسانی، جنوب

شرق آسیا، آسه‌آن

## مقدمه

امروزه کشورها ناگزیر به رویارویی و پاسخگویی به تهدیدها و چالش‌هایی هستند که پیش از این در ادبیات امنیت نمود و جایگاهی نداشتند. تهدیدهای امنیتی غیرسنتی، توسعه، بقا و بهزیستی نوع بشر و دولت‌ها را با تهدیدها و چالش‌های جدی روبه‌رو می‌کند. بر این اساس، تهدیدهای امنیتی غیر سنتی ذاتاً غیر نظامی و فراملی هستند که در نتیجه جهانی‌شدن و انقلاب ارتباطات به سرعت پخش می‌شوند. بدین معنا تهدیدهای غیر سنتی خطرناک‌تر از تهدیدهای سنتی هستند؛ زیرا این تهدیدها، نهادهای حکومتی و جمعیت‌های غیر نظامی (مدنی) را تهدید می‌کنند و خاستگاه آنها انسان غیر دولتی و عوامل طبیعی است. از این‌رو، تهدیدها ممکن است نتیجه اعمال مشخص اشخاص و گروه‌های اجتماعی باشند تا اقدام‌های دولتی. بر این اساس، وقوع تهدیدهای غیر سنتی، پیش‌بینی ناپذیر است و افزایش و تحرک و گسترش فعالیت افراد، شدت انتشار و تکثیر سریع آنها را در جهان تشدید می‌کند. همچنین اثرات غیر مستقیم این امور می‌توانند موجب زیان‌های هنگفت اقتصادی برای منطقه یا کل جهان شود (کاویانی‌راد، ۱۳۹۰: ۸۸-۸۹).

یکی از حوزه‌های اصلی این تهدیدهای غیر سنتی و جدید، تهدیدهای زیست‌محیطی است. شمار فزاینده‌ای از تهدیدهای غیر سنتی زیست‌محیطی از قبیل تجارت مواد مخدر، تروریسم بیولوژیک، تغییر اقلیم، فرسایش محیطی فرامرزی، کاهش منابع، بلایای طبیعی، بیماری‌های واگیردار، مهاجرت بی‌رویه، کمبود مواد خوراکی، تشدید طوفان‌ها و سیلاب‌هایی که برآیند پویش‌های انسانی و گرمایش جهانی هستند، از جمله تحولات و تهدیدهای دو دهه گذشته بوده‌اند که با خاستگاه‌های مختلف در سطوح ملی و بین‌المللی سربرآورده‌اند و پیش از این، طی

تاریخ بشر بدین‌سان وجود نداشته؛ به‌گونه‌ای که پیامدهای نگران‌کننده‌ای برای کشورهای خاص یا جامعه بین‌الملل به دنبال داشته‌اند (کاویانی‌راد، ۱۳۹۰: ۸۹). بنابراین مسائل زیست‌محیطی دولت‌ها را وادار کرده تا در همکاری‌های بین‌المللی بیشتر وارد شوند. دلیل آن هم، این است که فرسایش زیست‌محیطی نوعی «تهدید» را به‌وجود آورده که نه‌تنها تهدیدی برای دولت‌ها است، بلکه تهدیدی برای بشریت به‌عنوان یک کل است. این امر تهدیدی برای مشترکات جهانی؛ یعنی اقیانوس‌ها، دریاها، لایه ازن و سیستم آب‌وهوا است. بنابراین برخی از پژوهشگران روابط بین‌الملل به‌منظور مقابله با این تهدید، نیاز به همکاری‌های جهانی را ضروری می‌بینند. در همین راستا مسائل زیست‌محیطی در سال‌های اخیر، همکاری‌های بین‌المللی بیشتری را به‌وجود آورده است. گسترش این تهدیدهای زیست‌محیطی به‌گونه‌ای بوده که از یک‌سو سبب تشکیل رژیم‌های بین‌المللی و منطقه‌ای زیست‌محیطی برای مقابله با این‌گونه تهدیدها ازجمله باران اسیدی، نابودی لایه ازن، گرم شدن زمین و از بین رفتن تنوع زیستی شده (جکسون و سورنسون، ۱۳۸۳: ۳۲۸) و از سوی دیگر نیز موجبات بازنگری در مفهوم امنیت را فراهم کرده است.

#### ۱. بازنگری در مفهوم امنیت (از امنیت ملی به امنیت انسانی)

تاکنون برای توصیف، تبیین و پیش‌بینی موضوعات امنیتی، نظریه‌های مختلفی مطرح شده است که با ارائه پیش‌فرض‌ها و چارچوب مطالعاتی متفاوت در مورد امنیت ملی و امنیت بین‌الملل، افق‌های تازه‌ای را در حوزه مطالعات امنیتی به‌وجود آورده‌اند (یزدان‌فام، ۱۳۸۶: ۷۲۵).

در همین راستا، مطالعات امنیتی از دهه ۱۹۸۰ به این امر پرداختند که مفهوم امنیت باید در دو جهت گسترده‌تر شود. نخست، مفهوم امنیت صرفاً نباید به حوزه نظامی محدود گردد. بلکه باید دارای معنای عام‌تری باشد که نه تنها بتوان آن را در عرصه نظامی به‌کار بست، بلکه در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی نیز قابلیت کاربرد داشته باشد. دوم، هدف مرجع «امنیت»؛ یعنی آنچه که باید امن بماند، نباید صرفاً بر حسب کشور مفهوم‌سازی شود، بلکه باید

دربگیرنده افراد در درون دولت و نظام بین‌الملل مافوق آن نیز باشد (شیهان، ۱۳۸۸: ۶). در این دوره مطالعات امنیتی تغییرات قابل توجهی را تجربه کرد و از تمرکز سنتی بر تهدید، به کارگیری و مدیریت نیروی نظامی و موضوعات مرتبط با آن فاصله گرفت. موضوعات جدیدی مانند تغییر اقلیم، بارش باران‌های اسیدی، گسترش بیماری ایدز، قاچاق بین‌المللی انسان و موادمخدر، کاهش منابع محدود کره زمین، تخریب لایه ازن، گرم شدن جهان، انفجار جمعیت، بحران‌های اقتصادی جهان و شکاف عمیق میان جهان ثروتمند و فقیر نیز وارد حوزه مطالعات امنیتی شد (Shultz, 1997: 43).

بنابراین از این مقطع زمانی به بعد، امنیت انسانی از جایگاه ویژه‌ای در مطالعات روابط بین‌الملل برخوردار شد. هرچند باید توجه کرد که مفهوم امنیت انسانی همانند دیگر مفاهیم اجتماعی دارای تعریف واحدی نیست و ایده امنیت انسانی بیانگر طیفی از اهداف در میان نظریه‌پردازان مختلف است که هریک از منظری خاص به آن نگریسته‌اند. به‌عنوان مثال مفاهیمی نظیر توسعه انسانی، حقوق بشر، دفاع از حقوق زنان در این رابطه مطرح شده است که هرچند مرتبط با مفهوم امنیت انسانی هستند، اما دارای معنای کاملاً یکسانی با یکدیگر نیستند (Sen, 2002: 2). در ادبیات توسعه و روابط بین‌الملل، مفهوم امنیت انسانی در قالب تعابیر گوناگونی مورد تعریف و بازتعریف قرار گرفته است؛ به‌عنوان مفهوم یا نظریه‌ای جدید، نقطه آغازی برای تحلیل، به‌عنوان چشم‌انداز، دستور کار سیاسی، و یا چارچوبی برای سیاست‌گذاری. هرچند نباید فراموش کرد که امنیت انسانی صرفاً مفهومی تحلیلی نیست، بلکه واجد ارزش‌های اخلاقی و سیاسی است (Mack: 2002).

در مباحثات اولیه‌ای که درخصوص امنیت انسانی در ژاپن و سایر نقاط جهان شکل گرفت، امنیت انسانی به‌عنوان ایده‌ای کلیدی در راستای درک جمعی از همه مخاطراتی که بقا، زندگی روزمره و کرامت انسانی را تهدید می‌کند و تقویت تلاش‌ها برای مواجهه با چنین تهدیداتی قلمداد شد (Keizo, 1999: 18-19). در این چارچوب تمرکز اصلی بر این نکته قرار گرفت که افراد انسانی باید قادر باشند تا زندگی خود را بنحوی خلاقانه جهت دهند، بدون آنکه حیات و کرامت انسانی آنها مورد تهدید یا خدشه قرار گیرد. از این رو می‌توان امنیت انسانی را به‌عنوان

حفاظت و حمایت از بقای انسانی و زندگی روزمره (به‌خصوص در رابطه با مرگ زودرس، بیماری‌های قابل کنترل، بی‌سوادی گسترده و نظایر آن) قلمداد کرد. سیاستمداران برخی کشورها نظیر ژاپن و کانادا توجه ویژه‌ای به امنیت انسانی داشته و دیگر کشورها را تشویق می‌نمایند که برای تحقق اهدافشان به آنها بپیوندند. بنابراین چندین کنفرانس بین‌المللی و کمیسیون در این زمینه برگزار کرده و گزارش‌های متعددی منتشر نموده‌اند و از این مفهوم در موقعیت‌های خاص بهره گرفته‌اند. برخی از نویسندگان دانشگاهی هم تلاش کرده‌اند که امنیت انسانی را در نظریه‌ها وارد کنند و ابزارهایی را برای تحلیل تجربی مفید و سودمند آن بسط و توسعه داده‌اند. اتحادیه اروپا، ژاپن و کانادا و برنامه عمران ملل متحد و دانشمندان مختلف تعاریف متعددی از این واژه ارائه کرده‌اند که از یک تعریف محدود که شامل جلوگیری از خشونت می‌شود شروع شده و تا تعاریف گسترده‌تر که شامل توسعه، حقوق بشر و امنیت سنتی می‌شود هم ادامه می‌یابد (Tadjbakhsh and Chenoy, 2007: 10).

بنابراین مفهوم امنیت در دهه‌های گذشته دچار نوعی چرخش مفهومی شده است. بدین صورت که از نگرش‌هایی که بر امنیت دولت، مرزهای ملی و استفاده از نظامی‌گری برای تضمین انسجام و همبستگی سرزمینی تأکید می‌کرد، فاصله گرفته و این باور تقویت شده است که حتی نمونه‌های موفق امنیت سرزمینی لزوماً نمی‌تواند امنیت شهروندان را در درون دولت‌ها تضمین کند (Alagappa, 1998: 624-629; Adler and Barnett, 1998). تفاوت امنیت ملی با امنیت انسانی را می‌توان در چهار حوزه گستره، مرجع، ابزارها و بازیگران مورد بررسی قرار داد. امنیت انسانی انسان‌محور است، در حالی که امنیت ملی دولت‌محور می‌باشد. امنیت ملی در صدد حمایت از قلمرو دولت در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی است، اما امنیت انسانی از مبارزه با طیف وسیعی از تهدیدها مانند آلودگی محیط زیست، فقر، بیماری‌های عفونی و نظایر آن حمایت می‌کند. دولت در حوزه امنیت ملی بازیگر اصلی است، اما در امنیت انسانی مشارکت وسیع بازیگران مطرح است. امنیت ملی بر توان نظامی استوار است و امنیت انسانی بر توانمندسازی، حفاظت، رفع مخاطرات و جبران خسارت‌ها تأکید دارد (قاسمی، ۱۳۸۴: ۸۲۲).

مفهوم امنیت انسانی با مفهوم توسعه انسانی نیز ارتباطی جدی دارد. توسعه انسانی به گسترش توانمندی‌ها و فرصت‌های افراد و امنیت انسانی بر توانمندسازی مردم برای فاتح آمدن بر تهدیداتی که زندگی و کرامت انسانی آنها را تهدید می‌کند، توجه خاص دارد (Arab Human Development Report, 2009: 19). امنیت انسانی به‌عنوان یک مفهوم، ادراک سنتی از امنیت و توسعه را مورد بازتعریف قرار می‌دهد. این مفهوم موارد زیر را در برمی‌گیرد:

- شناسایی تهدیدات جدید فراسوی تلقی سنتی از امنیت در ارتباط با توسعه نیافتگی و مسائل انسانی.

- شناسایی تلاش‌هایی که با هدف فرارفتن از الگوی دولت‌محور امنیت به مفهوم امنیت انسانی صورت گرفته است.

- امنیت انسانی نیازمند شناسایی تعامل میان سه مؤلفه توسعه، امنیت و حقوق انسانی است.

- نظر به گستردگی مؤلفه‌های مرتبط با مفهوم امنیت انسانی، پذیرش راه‌حلی چندوجهی بر اساس رهیافتی بینارشته‌ای برای بحث پیرامون توسعه و امنیت انسانی ضرورت دارد.

امنیت انسانی عمدتاً در قالب سلامت انسان‌ها و ایمنی در برابر خطراتی نظیر گرسنگی، بیماری، سرکوب و حفاظت افراد در برابر از هم گسیختگی‌ها و نابهنجاری‌های اجتماعی در زندگی روزمره تعریف می‌شود (UNDP, 1994: 23). بنابراین بر اساس تعاریف ارائه شده و تحلیل‌های جاری از مفهوم امنیت انسانی، می‌توان شش حوزه اصلی را در رابطه با این مفهوم بر شمرد:

- امنیت اقتصادی، که به معنای رهایی از فقر، برخورداری از امنیت غذایی، و دسترسی به تغذیه پایدار است.

- تأمین سلامت، که در برگیرنده دسترسی به معالجات پزشکی و محافظت در برابر بیماری‌ها می‌باشد.

- امنیت زیست محیطی، که در بردارنده اقدام‌هایی برای محافظت از افراد در برابر آلودگی‌ها است.

- امنیت شخصی، که مصون بودن از خطر جنگ و خشونت و شکنجه را در

بر دارد.

- امنیت اجتماع، که به همگرایی و حفظ فرهنگ‌های سنتی و اقلیت‌ها اشاره

دارد.

- امنیت سیاسی، که شامل حفاظت از حقوق سیاسی و مدنی است.

آمارتیا سن بر این نظر است که مفهوم امنیت انسانی از چهار مؤلفه اصلی

تشکیل شده است:

- در مقابل مفهوم سنتی امنیت ملی که صرفاً بر حوزه نظامی تأکید داشت،

تمرکز آشکاری بر زندگی افراد دارد.

- به نقش جامعه و ترتیبات اجتماعی در ساختن زندگی امن‌تر به شیوه‌ای

سازنده بها می‌دهد.

- بر تلاش برای تحقق حقوق اولیه انسان‌ها تأکید دارد.

- به‌صورت مستدلی، بیش از آن که بر وجوه مخاطره‌آمیز (تهدید) زندگی

انسانی تمرکز داشته باشد، بر گسترش مؤثر آزادی در شکل عام آن (فرصت) تأکید

دارد (Sen, 2002: 1-2).

در تلقی سنتی از توسعه، دولت به‌عنوان محافظت‌کننده و مدافع توسعه ارزشی

بنیادین دارد، اما در بحث امنیت انسانی دو ارزش محوریت می‌یابد: امنیت و رفاه

افراد در قالب مادی آن و آزادی افراد. در این تلقی، ابعاد کیفی توسعه بیشتر در

رابطه با گسترش توانمندی انسان‌ها و تلاش برای ارتقای سطح زندگی آنها تحلیل و

ارزیابی می‌شود. این مسئله به‌خوبی در گزارش برنامه عمران ملل متحد آمده است:

«امنیت انسانی، دغدغه‌ای در رابطه با زندگی انسانی و کرامت اوست» (Bajpai, 2000)

(22). بنابراین می‌توان امنیت شخصی، اقتصادی، غذایی، بهداشتی، زیست‌محیطی،

امنیت درباره آینده، احساس کارآمدی و توانمندی فردی و توانمندسازی افراد را

برای تصمیم‌گیری به‌عنوان ارزش‌های جامعی دانست که جملگی در ارتباط با امنیت

انسانی قرار می‌گیرند. در تعبیری فراگیرتر در مکتب کانادایی امنیت انسانی مرتبط با

سطح کیفی زندگی نه صرفاً امنیت فیزیکی یا رفاه- دانسته می‌شود که حقوق

بنیادین انسانی را پوشش می‌دهد. ارزش‌های اساسی نظیر توسعه اقتصادی پایدار و

برابری اجتماعی از یکسو، و حقوق انسانی، آزادی بنیادین، حاکمیت قانون و

حکمرانی مطلوب از سوی دیگر، به‌عنوان ارزش‌های محوری امنیت انسانی قلمداد می‌شود.

## ۲. مفهوم امنیت زیست‌محیطی

تحت تأثیر شرایط به‌وجود آمده در دوران پس از جنگ سرد، محیط زیست به‌عنوان کانون اصلی نگرانی‌ها و علت بالقوه کشمکش‌های سیاسی سربرآورد و پیامدهای بین‌المللی فرسایش محیط زیست در بازنگری مفهوم امنیت جایگاه ویژه‌ای پیدا کردند (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۴۰). بنابراین طرح مفهوم امنیت زیست‌محیطی در قالب امنیت انسانی و ملی ناظر بر اهمیت جهانی محیط زیست در مناسبات قدرت، توسعه و امنیت واحدهای سیاسی است (کاویانی‌راد، ۱۳۹۰: ۹۰).

برخی تحلیلگران از جمله میرزا<sup>۱</sup> (۱۹۹۳) امنیت زیست‌محیطی را «امنیت بنیادین» خوانده‌اند و برخی دیگر مثل دیودنی<sup>۲</sup> (۱۹۹۰) آن را مایه مخدوش شدن معنای راستین امنیت می‌دانند و موضع‌گیری برخی نیز در بینابین این دو دیدگاه قرار می‌گیرد. برخی از پژوهشگران از پشت عینک سیاسی و نظامی امنیت زیست‌محیطی را به بررسی می‌گذارند و برخی دیگر آن را موضوعی مربوط به رفاه اجتماعی می‌دانند. در حوزه روابط بین‌الملل، تلاش‌هایی که برای امنیتی کردن ارزش‌های زیست‌محیطی صورت گرفته، سابقه بسیار کوتاه و تازه‌ای دارد و از سال ۱۹۷۲؛ یعنی زمان برگزاری کنفرانس ملل متحد درباره محیط زیست بشر، بروز و ظهور یافته است (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۱۸-۱۱۷).

تاکنون از امنیت زیست‌محیطی، تعاریف مختلفی ارائه شده است که در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

- امنیت زیست‌محیطی، وضعیتی است که یک کشور یا یک منطقه از رهگذر حکمروایی شایسته، مدیریت توانمند و استفاده پایدار از منابع طبیعی و محیط زیست، گام‌های مؤثری به سوی ایجاد ثبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و تضمین رفاه جمعیتش بردارد.

- امنیت زیست‌محیطی، محافظت از منافع حیاتی فرد، جامعه و محیط زیست

<sup>۱</sup>. Norman Myers

<sup>۲</sup>. Daniel Deudney



طبیعی در برابر تهدیدهای برخاسته از برخوردهای انسانی و طبیعی در محیط زیست است.

- امنیت زیست‌محیطی محافظت از محیط طبیعی، منافع حیاتی شهروندان، جامعه و دولت از تأثیرات داخلی و خارجی برخاسته از روندها و تهدیدهای منفی در توسعه است که سلامت انسان، تنوع زیست‌محیطی و عملکرد پایدار زیست‌بوم و بقای نوع بشر را تهدید می‌کند. بر این پایه، امنیت زیست‌محیطی بخش جدایی‌ناپذیر امنیت ملی است.

- امنیت زیست‌محیطی، ایمنی عمومی نسبی از خطرات زیست‌محیطی با خاستگاه فرایندهای طبیعی و انسانی ناشی از جهالت، تصادف، سوءمدیریت با منشأ درونی و در داخل مرزهای ملی است.

- امنیت زیست‌محیطی، پوشش انسان-محیط است که شامل بازسازی محیط زیست آسیب‌دیده از اقدامهای نظامی و بهسازی وضعیت کمبود منابع ناشی از فرسایش محیطی و تهدیدهای بوم‌شناسی است که می‌تواند به نابسامانی‌های اجتماعی و کشمکش بینجامد (کاویانی‌راد، ۱۳۹۰: ۹۱).

- امنیت زیست‌محیطی، محافظت از محیط کالبدی (فیزیکی) جامعه در عین تأمین نیازهای آن بدون کاهش ذخایر طبیعی است.

- امنیت زیست‌محیطی، رهایی از بی‌ثباتی اجتماعی ناشی از فرسایش محیط زیست است.

- امنیت زیست‌محیطی، چرخه منابع طبیعی در تولید و مواد پسماند برای طبیعت است به‌شيوه‌ای که ثبات اجتماعی را ارتقا دهد.

بر این اساس، عناصر بنیادی امنیت زیست‌محیطی شامل: بهسازی کمبود منابع طبیعی، حفظ سلامت محیط زیست، بهسازی فرسایش محیط طبیعی، پیشگیری از نابسامانی اجتماعی و کشمکش و افزایش ثبات اجتماعی است. چنین ویژگی‌هایی محیط زیست را کانون مطالعات ژئوپلیتیک، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل قرار داده است (کاویانی‌راد، ۱۳۹۰: ۹۲).

بری بوزان، الی ویور و پاپ دو ویلد در کتابی با عنوان چارچوبی تازه برای

تحلیل امنیت ضمن بررسی دقیق مفهوم امنیت، آن را به پنج حوزه طبقه‌بندی کردند



که امنیت زیست‌محیطی یکی از این حوزه‌ها به‌شمار می‌رود. آنها در فصل چهارم این کتاب با عنوان «بخش محیط زیست» اذعان می‌دارند که بخش محیط زیست به واسطه تنوع چشمگیر موضوعاتش بخش پیچیده‌ای است. مهم‌ترین موضوعاتی که در این حوزه مطرح می‌شود و مورد توجه قرار می‌گیرد عبارتند از:

- برهم خوردن اکوسیستم‌ها، شامل تغییرات اقلیم، از دست رفتن تنوع زیستی، از بین رفتن جنگل‌ها، گسترش بیابان‌ها و دیگر اشکال فرسایش زمین، زوال لایه ازون و انواع مختلف آلودگی.

- مشکلات انرژی شامل تهی شدن منابع طبیعی مانند جنگل‌های تأمین‌کننده سوخت، اشکال گوناگون آلودگی شامل فجایع ناشی از سوء مدیریت (به‌ویژه در ارتباط با انرژی هسته‌ای، حمل و نقل نفت و صنایع شیمیایی) و کمیابی و توزیع نابرابر.

- مشکلات جمعیتی شامل رشد جمعیت و مصرف‌گرایی در حدی خارج از توان تحمل زمین، بیماری‌های واگیردار و به‌طور کلی ضعف شرایط بهداشتی، افت نسبت باسوادی و مهاجرت‌های سیاسی و اجتماعی غیر قابل کنترل از جمله شهرنشینی مهارناپذیر.

- مشکلات غذایی شامل فقر، گرسنگی، مصرف بیش از حد و بیماری‌های مرتبط با آنها، از دست رفتن خاک حاصلخیز و منابع آب، بیماری‌های واگیردار و به‌طور کلی ضعف شرایط بهداشتی.

- مشکلات اقتصادی شامل حمایت از شیوه‌های ناپایدار تولید، بی‌ثباتی اجتماعی مستقر در ذات الزامات رشد و عدم تقارن و نابرابری ساختاری.

- کشمکش ملنی، شامل خسارات زیست‌محیطی ناشی از جنگ از یک‌سو و خشونت مرتبط با زوال محیط زیست از سوی دیگر (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۲-۱۲۳).

بوزان و همکاران بیان می‌کنند: «روشن است که هر مطلبی که درباره امنیت زیست‌محیطی منتشر می‌شود به تمام این موضوعات نمی‌پردازد و همه این موضوعات نیز همیشه صبغه امنیتی پیدا نمی‌کنند. در بخش محیط زیست سخن از ادعای امنیتی بودن مسائل به تازگی مطرح شده است و به‌واسطه ریشه‌دار نبودن در

جامعه در برابر حرکت‌های مخالف آسیب‌پذیرتر است» (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۶).

از نظر بوزان و همکاران، بخش محیط زیست نیز مانند بخش نظامی آکنده از بازیگران صاحب نقش است. گروه بزرگی از این بازیگران، بازیگران اقتصادی (شرکت‌های فراملی، شرکت‌های دولتی، صنایع کشاورزی، شیمیایی و هسته‌ای، شرکت‌های ماهی‌گیری و مانند آنها) هستند که فعالیت‌هایشان پیوند مستقیمی با کیفیت محیط زیست دارد. اینها کنشگران صاحب‌نقشی هستند که رفتارشان بر اکوسیستم‌ها تأثیر می‌گذارد و به‌طور کلی تمایلی به سیاسی کردن فعالیت خود ندارند، چه رسد به امنیتی کردن آنها. ولی وجه اشتراک آنها این است که همگی کنشگران اقتصادی بزرگی هستند که انگیزه آنها سودآوری اقتصادی است و عمدتاً در اغلب موارد با موضع‌گیری منفی در کانون مباحثات زیست‌محیطی حضور دارند (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۹).

دسته دیگری از کنشگران صاحب نقش، حکومت‌ها و کارگزاری‌های آنها و نیز برخی از سازمان‌های بین‌المللی دولتی هستند. حکومت‌ها ضمن وضع مقررات زیست‌محیطی برای کنشگران اقتصادی، نحوه اجرای خوب یا بد این مقررات را نیز تعیین می‌کنند. آنها با تشکیل ادارات فرعی ناظر بر مسائل زیست‌محیطی، پی‌ریزی سازمان‌های بین‌المللی دولتی مانند برنامه محیط زیست ملل متحد (یونپ)، توسعه حقوق بین‌الملل و افزودن وظایف تازه‌ای به فهرست وظایف سازمان‌های بین‌المللی دولتی موجود مانند فائو و بانک جهانی امکان آن را فراهم می‌سازند تا ملاحظات امنیتی زیست‌محیطی تاحدودی نهادینه شود (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۹).

### ۳. تغییر اقلیم به‌عنوان تهدیدی جدی برای امنیت زیست‌محیطی

تغییر اقلیم به‌عنوان یکی از تهدیدهای مهم و به تعبیر برخی از پژوهشگران به‌عنوان مهم‌ترین تهدید در قرن بیست‌ویکم محسوب می‌شود. به‌منظور فهم بستری که در آن تغییر اقلیم به‌عنوان موضوعی امنیتی تلقی می‌شود، لازم است که توجه داشته باشیم که در دوره پس از جنگ سرد تغییر قابل توجهی در خصوص منشأ تهدیدها از رهیافت سنتی به غیر سنتی صورت گرفته است و امنیت فقط شامل بعد نظامی نمی‌شود، بلکه ما

در حال حاضر با امنیت اجتماعی، امنیت زیستمحیطی، اقتصادی و سیاسی هم مواجه‌ایم. بنابراین، امروزه تغییر اقلیم به‌عنوان مهم‌ترین موضوع امنیت زیستمحیطی نسل حاضر تلقی می‌شود (B.Yanga, 2011: 6)؛ به‌نحوی که بان‌کی‌مون دبیر کل سازمان ملل متحد، در سال ۲۰۰۹ از آن به‌عنوان بزرگترین چالش جمعی «که همه ما انسان‌ها به‌عنوان اعضای یک خانواده با آن روبه‌رو هستیم» یاد کرد (B.Yanga, 2011: 1).

اگر کمی به عقب برگردیم و بنخواهیم اقدام‌های علمی صورت گرفته درخصوص تغییر اقلیم را بررسی کنیم، باید بگوییم که کنفرانس جهانی اقلیم که در سال ۱۹۷۹ برگزار شد، نخستین کنفرانس از مجموعه کنفرانس‌های جهانی درخصوص تغییر اقلیم بود. <sup>۱</sup> سه سال بعد؛ یعنی در سال ۱۹۸۸ کنفرانس جهانی تورونتو<sup>۱</sup> درخصوص تغییرات اتمسفر برگزار شد که این کنفرانس نیز به نقطه عطفی درخصوص سیاست‌های اقلیمی و آب‌وهوایی تبدیل شد و سرانجام پژوهش‌های صورت گرفته درخصوص تغییر اقلیم از طریق تأسیس «هیئت بین حکومتی تغییر اقلیم»<sup>۲</sup> توسط برنامه محیط زیست ملل متحد و سازمان جهانی هواشناسی<sup>۳</sup> در سال ۱۹۸۸ نهادینه شد. این هیئت، نهادی جهانی است که وظیفه‌اش ارائه یافته‌های علمی ناشی از پژوهش‌ها و سیاست‌گذاری‌های صورت گرفته درخصوص تغییر اقلیم است (Lacy, 2005: 28-29).

در آوریل سال ۲۰۰۷، شورای امنیت سازمان ملل متحد نخستین بحث و مذاکره خود را بر سر موضوع تغییر اقلیم و پیامدهای ناشی از این پدیده برگزار کرد. در این نشست واکنش‌های متفاوتی از سوی دولت‌های عضو درخصوص این موضوع ارائه شد که آیا باید تغییر اقلیم را یک موضوع امنیتی تلقی کرد یا یک موضوع مرتبط با توسعه و حتی یک موضوع سیاسی؟ به‌عنوان نمونه پاسخ دولت سنگاپور به این موضوع این بود که تغییر اقلیم را باید به‌عنوان یک چالش زیستمحیطی جهانی به حساب آورد (Security Council News and Media Division, 2007).

در همین راستای و پانگمالیت<sup>۴</sup> (۲۰۱۰) استدلال می‌کنند که به سه روش

1. Toro unto World Conference

2. Intergovernmental Panel on Climate Change(IPCC)

3. WMO

4. Tay and Paungmalit

می‌توان استدلال کرد که تغییر اقلیم، پیامدهای امنیتی جدی به همراه دارد: الف. اثرات فیزیکی که بر امنیت انسانی دارد؛ ب. سبب مهاجرت‌های اجباری می‌شود؛ ج. سبب منازعه بر سر منابع می‌شود.

این دو نویسنده در ادامه به تفصیل این تأثیرات را مورد بررسی قرار می‌دهند. نخستین تأثیر تغییر اقلیم بر امنیت انسانی است. این دو استدلال می‌کنند که موضوع تغییر اقلیم به‌صورت مستقیم بر رفاه و شرایط اقتصادی-اجتماعی افراد و جوامع آسیب‌پذیر اثر می‌گذارد. در چنین جوامعی معمولاً زندگی و معیشت بخش قابل توجهی از جمعیت متکی بر منابع طبیعی است (B.Yanga, 2011: 8). به‌عنوان نمونه منطقه جنوب شرق آسیا چنین وضعیتی دارد؛ زیرا اغلب از کشورهای در حال توسعه تشکیل شده است، به‌لحاظ طبیعی و جغرافیایی بیشتر از سایر مناطق دنیا نسبت به موضوع تغییر اقلیم آسیب‌پذیر است و منابع اندکی دارد تا بتواند خود را از لحاظ فنی، تکنولوژیک و اجتماعی با موضوع تغییر اقلیم سازگار کند.

در همین راستا، هیئت بین‌حکومتی تغییر اقلیم هشدار داده است که مسائلی چون قحطی و کمبود غذا، کمبود آب آشامیدنی سالم، شیوع بیماری‌ها و افزایش بلایای طبیعی به‌واسطه پدیده تغییر اقلیم بوده و خواهد بود و بنابراین تغییر اقلیم به‌عنوان مؤلفه‌ای بسیار تهدیدزا<sup>۱</sup> به‌حساب می‌آید؛ زیرا سبب ایجاد ناامنی و عدم امنیت هم برای دولت‌ها و هم برای افراد می‌شود (B.Yanga, 2011: 8). در گزارش بانک توسعه آسیایی<sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۹ و چهارمین گزارش هیئت بین‌حکومتی تغییر اقلیم اظهار شده که پیش‌بینی می‌شود منطقه جنوب شرق آسیا به‌شدت از پیامدهای تغییر اقلیم تأثیر پذیرد؛ زیرا که اقتصاد بیشتر کشورهای منطقه متکی بر منابع طبیعی و کشاورزی است. منطقه جنوب شرق آسیا هر ساله توسط بلایای طبیعی و اقلیمی از جمله سیل، خشکسالی، طوفان‌های حاره‌ای متأثر می‌شود. همچنین بخش قابل توجهی از منطقه به‌شدت در معرض طغیان آب بوده و تحت تأثیر باران‌های موسمی است. این تغییرات اقلیمی به‌شدت زندگی مردمان فقیری را که در مناطق حاشیه‌ای سکونت گزیده‌اند و توانایی انطباقی محدودی دارند، تهدید می‌کند (Gerstl, 2010: 6). به‌تعبیر دیگر، آسیب‌پذیری

<sup>1</sup>. Threat Multiplier

<sup>2</sup>. Asian Development Bank

کشورهای واقع در منطقه جنوب شرق آسیا نسبت به تغییرات آب‌وهوایی شدید و بلایای طبیعی در حوزه‌های کشاورزی، آب، سیستم‌های ساحلی و اکوسیستم‌ها بسیار زیاد است؛ به‌نحوی که در سال ۲۰۰۹، سهم آسیا از وقوع بلایای طبیعی در جهان، ۴۰/۳ درصد بوده است (Caballero- Anthony, 2013: 153).

دومین تأثیر امنیتی تغییر اقلیم، موضوع مهاجرت اجباری است. در واقع بلایای طبیعی ناشی از تغییر اقلیم همچون سیل، طغیان رودخانه‌ها، خشکسالی، طوفان‌های سهمگین، سونامی و... نه‌تنها به‌عنوان معضلی داخلی برای کشورهای آسیب‌پذیر از جمله کشورهای منطقه جنوب شرق آسیا محسوب می‌شوند، بلکه دامنه منطقه‌ای و حتی بین‌المللی نیز دارند؛ زیرا سبب بی‌خانمان شدن انسان‌های زیادی می‌شوند که برخی از آنها مجبورند برای حفظ جان خود به کشورهای منطقه پناه برده و مهاجرت کنند که این امر خود تبدیل به معضلی پیچیده خواهد شد.

سومین پیامد امنیتی تغییر اقلیم منازعه بر سر منابع است. در واقع برخی از پژوهشگران مسائل جدی را در این زمینه مطرح می‌کنند. مسائلی از قبیل طوفان‌های شدید، خشکسالی، کمبود آب آشامیدنی سالم، غذا، و دیگر منابع می‌تواند سبب جنگ‌ها و منازعات گسترده‌ای در میان دولت‌ها شود که یک نمونه آن در دارفور اتفاق افتاد و به‌عنوان یک موضوع امنیتی مهم مطرح شد. (B.Yanga, 2011: 8)

#### ۴. مخاطرات ناشی از تغییر اقلیم در منطقه جنوب شرق آسیا

همان‌طور که گفته شد، منطقه جنوب شرق آسیا یکی از مناطقی است که به‌شدت تحت تأثیر تهدید تغییر اقلیم قرار دارد. بر اساس پژوهش انجام شده توسط عارف انشونی یوسف<sup>۱</sup> و هرمینیا فرانسیسکو<sup>۲</sup> در «برنامه محیط زیست و اقتصاد برای جنوب شرق آسیا»<sup>۳</sup> نشان داده شده است که مناطق آسیب‌پذیر نسبت به تغییر اقلیم در جنوب شرق آسیا بالغ بر ۵۳۰ منطقه و ناحیه است که شامل ۳۴۱ ناحیه در اندونزی، ۱۵ استان در کامبوج، ۱۷ استان در لائوس، ۱۴ ایالت در مالزی، ۱۵ استان در فیلیپین، ۷۲ استان در تایلند و ۵۳ استان در ویتنام می‌شود که در نقشه شماره ۱

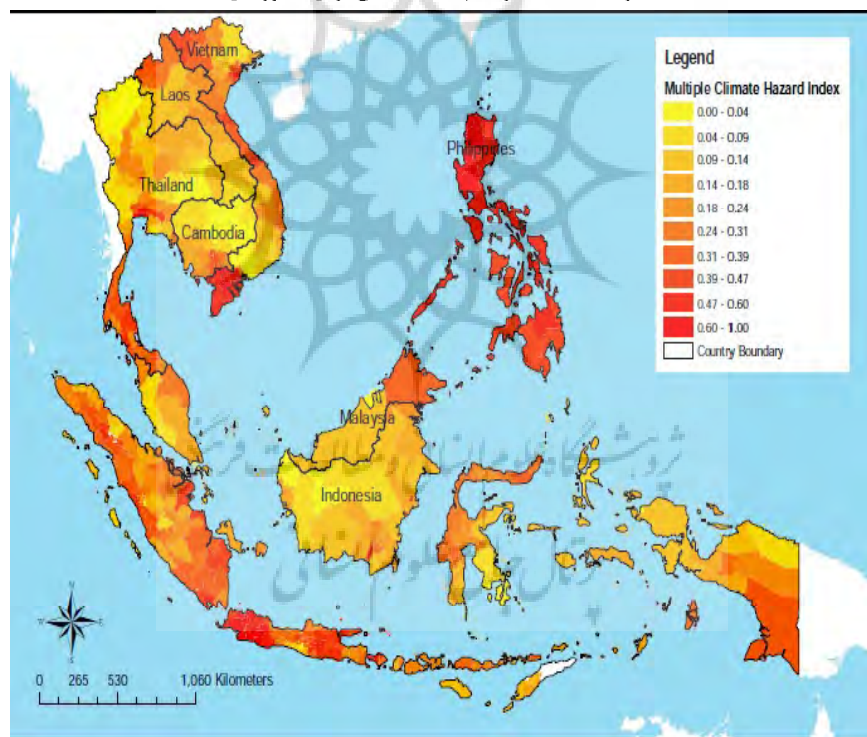
<sup>1</sup>. Arief Anshony Yusuf

<sup>2</sup>. Herminia Francisco

<sup>3</sup>. Economy and Environment for Southeast Asia (EEPSEA)

نیز نشان داده شده است (Anshory Yusuf and Francisco, 2009: 9). از نظر این دو محقق، مخاطرات مربوط به تغییر اقلیم را می‌توان در پنج موضوع خشکسالی، سیل، طوفان‌های موسمی، سر برآوردن جزایر و مناطق در معرض سیل ناشی از بالا آمدن سطح دریا دست‌بندی کرد که در منطقه جنوب شرق آسیا شامل منطقه مکونگ در ویتنام، مناطق ساحلی ویتنام که در معرض دریای چین جنوبی هستند، بانکوک و مناطق همجوار آن در تایلند، کل فیلیپین و مناطق شرقی و غربی جاوه در اندونزی می‌شود (Anshory Yusuf and Francisco, 2009: 11) که در جدول شماره ۱، این موضوع به تفصیل ارائه شده است.

نقشه شماره ۱. نقشه خطرات چندگانه اقلیمی برای کشورهای منطقه



Source: (Anshory Yusuf and Francisco, 2009)

جدول شماره ۱. مخاطرات مربوط به تغییر اقلیم

مهم‌ترین مناطق در معرض خطر تغییر اقلیم	مهم‌ترین مخاطرات ناشی از تغییر اقلیم
شمال غرب ویتنام	خشکسالی
مناطق ساحلی شرق ویتنام	طوفان‌های موسمی و خشکسالی
منطقه مکونگ در ویتنام	بالا آمدن سطح دریا
بانکوک و مناطق مجاور آن در تایلند	بالا آمدن سطح دریا و سیل
مناطق جنوبی تایلند	خشکسالی و سیل
فیلیپین	طوفان‌های موسمی، خشکسالی، ریزش کوه و سیل
ایالت صباح در مالزی	خشکسالی
مناطق غربی و شرقی جاوه در اندونزی	خشکسالی، ریزش کوه، سیل و افزایش سطح آب دریا

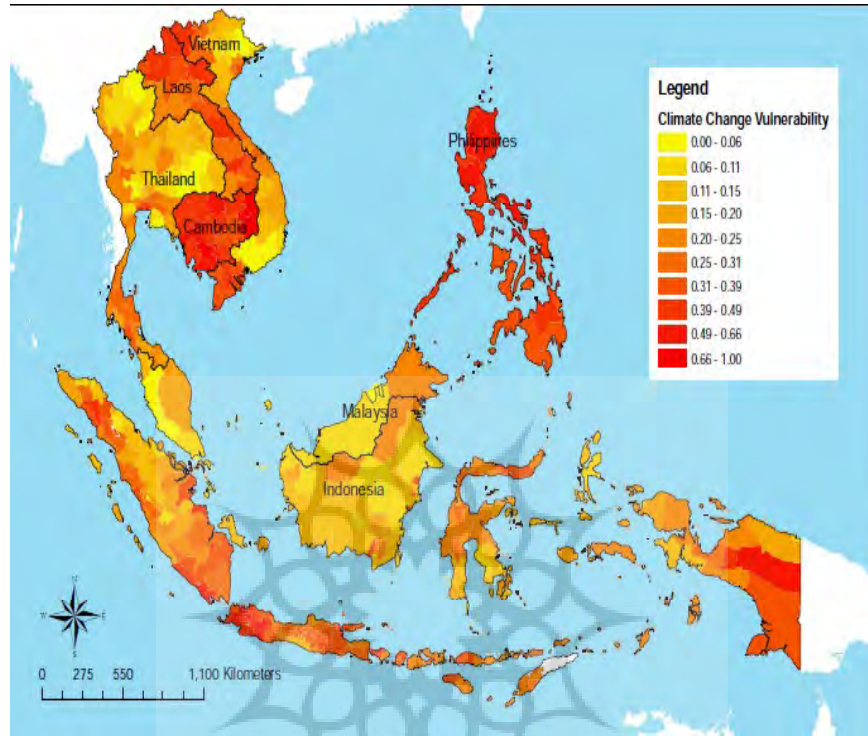
Source: (Anshory Yusuf and Francisco, 2009: 11)

درخصوص تطابق و سازگاری کشورهای منطقه با مخاطرات پدیده اقلیم نیز باید گفت که طبق پژوهش صورت گرفته توسط انشونی یوسف و هرمنیا فرانسیسکو مناطقی که به نسبت توانایی تطابق و سازگاری بالایی در مقابل این مخاطرات دارند در تایلند، مالزی و ویتنام واقع شده‌اند که دارای قابلیت‌هایی همچون زیرساخت‌ها، فناوری و توانمندی اقتصادی - اجتماعی هستند و مناطقی که توانایی تطابق و سازگاری به نسبت اندکی دارند، اغلب در کامبوج و لائوس واقع شده‌اند (Anshory Yusuf and Francisco, 2009: 9).

همچنین نقشه شماره ۲، آسیب‌پذیرترین مناطق در جنوب شرق آسیا را نسبت به مخاطرات تغییر اقلیم نشان می‌دهد که شامل کل سرزمین فیلیپین، منطقه دلتای رودخانه مکونگ در ویتنام، اغلب مناطق کامبوج، شمال و شرق لائوس، منطقه بانکوک در تایلند، غرب و جنوب سوماترا، جاوه شرقی و غربی در اندونزی می‌شود. فیلیپین برخلاف دیگر کشورهای منطقه، نه تنها در معرض طوفان‌های موسمی استوایی به خصوص در مناطق شرقی و شمالی کشور است، بلکه در معرض دیگر مخاطرات مرتبط با تغییر اقلیم از جمله سیل، ریزش کوه و خشکسالی نیز می‌باشد (Anshory Yusuf and Francisco, 2009: 13).



نقشه شماره ۲. نقشه آسیب‌پذیری کشورهای منطقه نسبت به تغییر اقلیم



Source: (Anshory Yusuf and Francisco, 2009)

۵. اقدام‌های صورت‌گرفته توسط آسه‌آن به‌منظور مقابله با پدیده تغییر اقلیم  
 اگر بخواهیم اقدام‌های صورت‌گرفته توسط آسه‌آن در خصوص مقابله با مسئله تغییر اقلیم را بررسی کنیم، ابتدا باید جایگاه موضوع محیط زیست را در برنامه‌های آسه‌آن جستجو کنیم و ببینیم که موضوع محیط زیست چه جایگاهی در برنامه‌ها و دستورکارهای این سازمان منطقه‌ای داشته است. مروری بر فعالیت‌ها و اسناد آسه‌آن نشان می‌دهد که اقدام‌های اولیه در خصوص همکاری کشورهای عضو در موضوع محیط زیست به سال ۱۹۷۷ برمی‌گردد؛ یعنی زمانی که «برنامه محیط زیست زیرمنطقه‌ای آسه‌آن»<sup>۱</sup> به امضا رسید. این برنامه، چارچوبی را برای همکاری منطقه‌ای در قالب اولویت‌ها، طرح‌های خاص و فعالیت‌های روزمره و مستمر ارائه کرد (ASEAN.ORG).

<sup>۱</sup>. ASEAN Subregional Environment Program

پاسخ‌های ارائه‌شده توسط آسه‌آن به مسئله تغییر اقلیم را می‌توان در دو دسته سیاست‌گذاری‌های هنجاری در قالب اسناد و اقدام‌های ساختاری دسته‌بندی کرد که در ادامه به مهم‌ترین این اقدام‌ها پرداخته می‌شود.<sup>۱</sup>

#### ۱-۵. سیاست‌گذاری‌های هنجاری و پاسخ به مسئله تغییر اقلیم

ریشه این اقدام‌ها به «دستورکار زیست‌محیطی منطقه‌ای آسه‌آن» برمی‌گردد که از سال ۱۹۷۷ آغاز شد. یکی از نخستین موافقتنامه‌های آسه‌آن در خصوص محیط زیست، «اعلامیه آسه‌آن در مورد پارک‌های ملی»<sup>۲</sup> بود که در نوامبر ۱۹۸۴ به امضای پنج عضو مؤسس آسه‌آن به‌علاوه بروئی دارالسلام رسید که البته این سند توسط اعلامیه مربوط به پارک‌های ملی که در سال ۲۰۰۳ به امضای اعضا رسید، نسخ شد. یک سال بعد، یعنی در سال ۱۹۸۵ هم «موافقتنامه آسه‌آن در خصوص حفظ طبیعت و منابع طبیعی»<sup>۳</sup> توسط شش کشور عضو آسه‌آن به امضا رسید (www.ASEAN.org).

اظهارات و اعلامیه‌های آسه‌آن در طول دهه ۱۹۹۰ در خصوص محیط زیست، بیشتر بر موضوع غبارهای فرامرزی ناشی از آتش‌سوزی در جنگل زغال کک استوایی اندونزی متمرکز بود. معضل غبار به موضوعی جدی در میان اعضای آسه‌آن تبدیل شد و تا سال‌ها محور مسائل زیست‌محیطی را به خود اختصاص داد تا اینکه مذاکرات در این زمینه در قالب «موافقتنامه آلودگی ناشی از غبار فرامرزی»<sup>۴</sup> در سال ۲۰۰۲ به نتیجه رسید.

در دهه اول قرن بیست‌ویکم و به‌صورت مشخص در سال ۲۰۰۵، آسه‌آن به‌منظور پاسخ به دغدغه جامعه علمی در خصوص فروسایی تنوع زیستی منطقه جنوب شرق آسیا توافق کرد که سرمایه‌گذاری ویژه‌ای را در این زمینه در قالب تأسیس «مرکز تنوع زیستی آسه‌آن»<sup>۵</sup> داشته باشد. در همان سال هم «موافقتنامه آسه‌آن در خصوص مدیریت سوانح و بلایا و انجام اقدام فوری در این خصوص» که

<sup>۱</sup>. بیشتر مطالب این مبحث با مراجعه مستقیم به سایت آسه‌آن ارائه شده است.

<sup>۲</sup>. ASEAN Declaration on Heritage Parks

<sup>۳</sup>. ASEAN Agreement on the Conservation of Nature and Natural Resources

<sup>۴</sup>. Agreement on trans-boundary haze pollution

<sup>۵</sup>. ASEAN Biodiversity Center

بعد از وقوع سونامی در منطقه که تایلند، اندونزی مالزی و میانمار را به شدت تحت تأثیر قرار داد، به امضا رسید.

درواقع، در سال ۲۰۰۷ بود که موضوع تغییر اقلیم به صورت ضمنی در سیاست‌های زیست‌محیطی آسه‌ان مورد توجه قرار گرفت. اعلامیه‌ها و اظهارات مختلفی در این سال ارائه شد؛ چه به صورت اختصاصی و چه به صورت موازی با سیزدهمین اجلاس آسه‌ان که در نوامبر ۲۰۰۷ در سنگاپور مطرح شد. «اعلامیه آسه‌ان در خصوص پایداری زیست‌محیطی»<sup>۱</sup> که در ۲۰ نوامبر ۲۰۰۷ در طول سیزدهمین نشست آسه‌ان به امضا رسید، نخستین فرصت را برای تغییر اقلیم فراهم کرد که به عنوان یک موضوع امنیتی اصلی و نوظهور زیست‌محیطی منطقه شناسایی شود. در این اعلامیه به سه نکته مهم توجه شد: حفظ محیط زیست، حفظ منابع طبیعی و پاسخ مؤثر و جدی به مقوله تغییر اقلیم.

در اعلامیه آسه‌ان به کنفرانس بالی که در ۲۰ نوامبر ۲۰۰۷ ارائه شد، اظهار شد که حفظ محیط زیست و استفاده و مدیریت پایدار از منابع طبیعی برای رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی کشورهای منطقه ضروری است. به علاوه این نکته نیز مورد تأکید قرار گرفت که آسه‌ان به شدت نسبت به تأثیرات مضر تغییر اقلیم آسیب‌پذیر است. در همین راستا، آسه‌ان علاقه‌مندی خود را در خصوص ایجاد «ابتکار عمل آسه‌ان در مورد تغییر اقلیم»<sup>۲</sup> بیان کرد و گفته شد که ابتکار عمل آسه‌ان در مورد تغییر اقلیم به عنوان رکنی مشورتی جهت تقویت بیشتر هماهنگی و همکاری منطقه‌ای به منظور بیان و طرح مسئله تغییر اقلیم قلمداد شود. این ابتکار عمل توانمندی منطقه را هم در زمینه اقدام‌های تطبیقی و هم به صورت خاص دغدغه‌های منطقه را به مذاکرات بین‌المللی در خصوص رژیم تغییر اقلیم تقویت خواهد کرد. به علاوه به واسطه این اعلامیه، آسه‌ان متعهد شد تا موضوع تغییر اقلیم را بعد از سال ۲۰۱۲ از طریق تحقق موافقتنامه‌ای مؤثر، منصفانه، بی‌طرفانه، انعطاف‌پذیر، جامع و چندجانبه اظهار داشته و مورد تأکید قرار دهد (B.Yanga, 2011: 17).

قبل از برگزاری پنجمین نشست کنفرانس اعضای پروتکل کیوتو (۷-۱۸)

<sup>1</sup>. ASEAN Declaration of Environmental Sustainability

<sup>2</sup>. ASEAN Climate Change Initiative (ACCI)

دسامبر ۲۰۰۹) که در کپنهاگ دانمارک برگزار شد، آسه‌آن بیانیه مشترکی را در خلال پانزدهمین نشست سران در تایلند ارائه کرد. این بیانیه، اعضای آسه‌آن را به به‌کارگیری کامل ابزارهای مختلف برای توجه به تغییر اقلیم متعهد کرد.

در طول شانزدهمین نشست آسه‌آن که در آوریل ۲۰۱۰ در هانوی برگزار شد، رهبران آسه‌آن بیانیه‌ای را در خصوص پاسخ مشترک اعضا به مسئله تغییر اقلیم به‌منظور ارائه به ششمین نشست کنفرانس اعضا پروتکل کیوتو که در دسامبر ۲۰۱۰ در مکزیک برگزار شد، ارائه کردند. همچنین در ۱۷ نوامبر ۲۰۱۱ در بالی اندونزی، سران آسه‌آن بیانیه‌ای را خصوص موضع آسه‌آن به پدیده تغییر اقلیم به هفتمین نشست اعضا پروتکل کیوتو ارائه کردند (www.ASEAN.org).

آخرین سند در این زمینه، «قطعنامه بانکوک در خصوص همکاری زیست‌محیطی آسه‌آن»<sup>۱</sup> است که در ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۲ توسط اعضای آسه‌آن به امضا رسید و در آن به موضوع تغییر اقلیم و اقدام‌های لازم برای مقابله با این پدیده پرداخته شد (www.ASEAN.org).

جدول شماره ۲. فهرست مهم‌ترین سیاست‌گذاری‌های هنجاری آسه‌آن در زمینه برخورد با پدیده تغییر اقلیم

تاریخ	سیاست‌گذاری هنجاری
۱۹۷۷	دستورکار زیست‌محیطی منطقه‌ای آسه‌آن
۱۹۸۴	اعلامیه آسه‌آن در مورد پارک‌های ملی
۱۹۸۵	موافقتنامه آسه‌آن در خصوص حفظ طبیعت و منابع طبیعی
۲۰۰۲	موافقتنامه آلودگی ناشی از غبار فرامرزی
۲۰۰۵	موافقتنامه آسه‌آن در خصوص مدیریت سوانح و بلایای طبیعی
۲۰۰۷	اعلامیه آسه‌آن در خصوص پایداری زیست‌محیطی
۲۰۰۹	بیانیه مشترک اعضای آسه‌آن به پنجمین نشست کنفرانس اعضا پروتکل کیوتو
۲۰۱۰	بیانیه سران در خصوص پاسخ مشترک اعضا به مسئله تغییر اقلیم
۲۰۱۰	بیانیه مشترک اعضای آسه‌آن به ششمین نشست کنفرانس اعضا پروتکل کیوتو
۲۰۱۱	بیانیه رهبران آسه‌آن به هفتمین نشست کنفرانس اعضا پروتکل کیوتو
۲۰۱۲	قطعنامه بانکوک در خصوص همکاری زیست‌محیطی آسه‌آن

## ۲-۵. پاسخ‌های ساختاری آسه‌آن به مسئله تغییر اقلیم

اگرچه بر اساس سند تأسیس آسه‌آن؛ یعنی اعلامیه بانکوک<sup>۲</sup> که در سال ۱۹۶۷ به

<sup>۱</sup>. Bangkok Resolution on ASEAN Environment Cooperation

<sup>۲</sup>. Bangkok Declaration



امضا اعضای مؤسس رسید، مقرر شد که بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تقویت شده و این موضوعات در دستورکار اعضا قرار بگیرد، اما آسه‌ان اکنون برای موضوع محیط زیست اهمیت و جایگاه ویژه‌ای را در کنار مقولات مذکور قائل شده است. ریشه این امر به «اعلامیه استکهلم»<sup>۱</sup> درخصوص محیط زیست برمی‌گردد که در سال ۱۹۷۲ به امضا رسید و به‌موجب آن همکاری منطقه‌ای درخصوص حفظ محیط زیست مورد توجه قرار گرفت. این امر سبب شد تا آسه‌ان «برنامه زیست‌محیطی منطقه‌ای آسه‌ان»<sup>۲</sup> را با حمایت یونپ<sup>۳</sup> از سال ۱۹۷۷ پی‌گیری کند (B.Yanga, 2011: 21). یک‌سال بعد، گروه متخصصین آسه‌ان در زمینه محیط زیست<sup>۴</sup> زیر نظر کمیته علم و فناوری آسه‌ان تأسیس شد. در سال ۱۹۸۹ نیز این گروه به «کارشناسان ارشد محیط زیست آسه‌ان»<sup>۵</sup> ارتقا پیدا کرد. از ۱۹۹۴ به بعد کارشناسان ارشد محیط زیست آسه‌ان، سالی یکبار یکدیگر را ملاقات می‌کنند تا گزارش‌های گروه‌های کاری را بررسی کنند و گزارش خود را به نشست وزرای آسه‌ان<sup>۶</sup> که متشکل از وزرای امور خارجه است، ارائه کنند (B.Yanga, 2011: 21).

مروری بر فعالیت‌های این نهاد نشان می‌دهد که در دهه ۱۹۹۰، کارشناسان ارشد محیط زیست آسه‌ان، مشکل از گروه‌های کاری بدین شرح بودند: محیط زیست دریایی، اقتصاد زیست‌محیطی، حفظ طبیعت، مدیریت زیست‌محیطی، آلودگی فرامرزی، آموزش، آگاهی عمومی و اطلاع رسانی زیست‌محیطی. در سال ۱۹۹۸، کارشناسان ارشد محیط زیست آسه‌ان، مجدداً ساختار خود را مورد بازبینی قرار دادند و ساختاری ساده‌تر و کاربردی‌تر را برگزیدند؛ به این‌منظور که نسبت به مسائل زیست‌محیطی بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله حفظ طبیعت و تنوع زیستی، محیط زیست ساحلی و دریایی و موافقتنامه‌های چندجانبه زیست‌محیطی، پاسخگویی بهتری داشته باشند و تغییر اقلیم نیز تحت لفافه پاسخ آسه‌ان به دیگر مسائل زیست‌محیطی مورد اشاره قرار گرفت (B.Yanga, 2011: 22).

1. Stockholm Declaration

2. ASEAN Sub-regional Environmental Programme (ASEP)

3. United Nations Development Program (UNEP)

4. ASEAN Expert Group on the Environment (AEGE)

5. ASEAN Senior Officials on the Environment (ASOEN)

6. ASEAN Ministerial Meeting (AMM)

با اجرایی شدن منشور جدید آسه‌آن در ۱۵ دسامبر ۲۰۰۸ به‌منظور تحقق جامعه آسه‌آن ۲۰۲۰، نهادها و ارگان‌های تابعه آسه‌آن عقلایی شدند. بر همین اساس، شورای اجتماع فرهنگی - اجتماعی آسه‌آن<sup>۱</sup> سرپرستی مسئولیت وزرای محیط زیست آسه‌آن را بر عهده گرفت. وزرای محیط زیست آسه‌آن در اصل مسئول سیاست‌ها و موضوعات استراتژیک مرتبط با محیط زیست هستند. نهاد «کارشناسان ارشد محیط زیست آسه‌آن»، به‌طور مستقیم گزارش کار خود را به وزرای محیط زیست آسه‌آن ارائه می‌کند که خود شامل شش نهاد فرعی زیر می‌باشد:

- گروه کاری آسه‌آن در زمینه محیط زیست ساحلی و دریایی؛<sup>۲</sup>
- گروه کاری آسه‌آن در زمینه آموزش محیط زیست؛<sup>۳</sup>
- گروه کاری آسه‌آن در زمینه شهرهای پایدار از نظر محیط زیست؛<sup>۴</sup>
- گروه کاری آسه‌آن در زمینه موافقتنامه‌های زیست‌محیطی چندجانبه؛<sup>۵</sup>
- گروه کاری آسه‌آن در زمینه حفظ طبیعت و تنوع زیست‌محیطی؛<sup>۶</sup>
- گروه کاری آسه‌آن در زمینه مدیریت منابع آب.<sup>۷</sup>

همان‌طور که بررسی این شش گروه کاری نشان می‌دهد، تا آن مقطع هیچ گروه کاری تخصصی در خصوص تغییر اقلیم زیر نظر نهاد کارشناسان ارشد محیط زیست آسه‌آن ایجاد نشده بود تا اینکه بعد از برگزاری نشست ویژه وزرای آسه‌آن در تایلند در تاریخ ۷ سپتامبر ۲۰۰۹، تصمیم گرفته شد تا هفتمین ارگان تابعه نهاد کارشناسان ارشد محیط زیست آسه‌آن با تمرکز ویژه بر موضوع تغییر اقلیم ایجاد شود. بنابراین هفتمین گروه کاری با عنوان «گروه کاری آسه‌آن در زمینه تغییر اقلیم»<sup>۸</sup> زیر نظر کارشناسان ارشد محیط زیست آسه‌آن ایجاد شد و این گروه کاری نخستین اجلاس خود را در ۳۱ مارس لغایت ۱ آوریل ۲۰۱۰ در بانکوک تایلند

1. ASEAN Socio-Cultural Community Council (ASCC)

2. AWGCME

3. AWGEE

4. AWGESC

5. AWGMEA

6. AWGNCB

7. AWGWRM

8. AWGCC

برگزار کرد (B.Yanga, 2011: 23).

همچنین بر اساس یک چارچوب نهادی که آسه‌آن بر اساس نهمین نشست آسه‌آن در خصوص تحقق «چشم‌انداز اجتماع آسه‌آن» برگزار کرد، موضوع «آسه‌آن پاک و سبز»<sup>۱</sup> مطرح شد و برای تحقق آن ده موضوع مهم و دارای اولویت در خصوص محیط زیست در طرح اولیه اجتماع فرهنگی- اجتماعی آسه‌آن<sup>۲</sup> برای سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۵ ارائه شد (B.Yanga, 2011: 24).

جدول شماره ۳. توسعه ساختاری آسه‌آن در خصوص محیط زیست و تغییر اقلیم

تاریخ	توسعه ساختاری
۱۹۷۷	برنامه زیست‌محیطی منطقه‌ای آسه‌آن
۱۹۷۸	تأسیس گروه متخصصان آسه‌آن در زمینه محیط زیست
۱۹۸۹	ایجاد نهاد کارشناسان ارشد محیط زیست آسه‌آن و گروه‌های کاری تخصصی زیر نظر آن
۱۹۹۸	تجدید نظر در گروه‌های کاری نهاد کارشناسان ارشد محیط زیست آسه‌آن
۲۰۰۹	تشکیل گروه‌های کاری هفت‌گانه زیست‌محیطی از جمله گروه کاری تغییر اقلیم زیر نظر شورای اجتماع فرهنگی- اجتماعی آسه‌آن

## نتیجه‌گیری

همان‌طور که در متن مقاله به تفصیل بررسی شد، تغییر اقلیم به‌عنوان یکی از تهدیدهای مهم و به تعبیر برخی از پژوهشگران به‌عنوان مهم‌ترین تهدید در قرن بیست‌ویکم محسوب می‌شود. در واقع با پایان یافتن جنگ سرد مفهوم امنیت مصادیق گسترده‌ای یافت که یکی از این مصادیق هم امنیت زیست‌محیطی است و تغییر اقلیم به‌عنوان مهم‌ترین موضوع امنیت زیست‌محیطی نسل حاضر تلقی می‌شود.

با توجه به اینکه منطقه جنوب شرق آسیا از جمله مناطقی است که بیشترین تأثیر و آسیب‌پذیری را در ارتباط با مسئله تغییر اقلیم داشته است، در این مقاله تلاش شد با روشی توصیفی- تحلیلی، مهم‌ترین فعالیت‌های صورت‌گرفته توسط تنها سازمان مهم در این منطقه؛ یعنی آسه‌آن در خصوص تغییر اقلیم مورد بررسی دقیق قرار گیرد. به‌همین منظور اقدام‌های صورت‌گرفته توسط آسه‌آن در خصوص

<sup>1</sup>. Clean and Green ASEAN

<sup>2</sup>. ASEAN Socio-cultural Community (ASSC)

تغییر اقلیم در قالب دو دسته اقدام‌های سیاست‌گذاری هنجاری و توسعه نهادی و سازمانی ارائه شد. نتیجه این بررسی‌ها نشان داد که در پی اقدام‌های سیاست‌گذاری هنجاری توسعه نهادی نیز درخصوص محیط زیست و به‌صورت مشخص تغییر اقلیم صورت گرفته است که مهم‌ترین مصداق این امر تشکیل گروه‌های کاری هفت‌گانه زیست‌محیطی از جمله گروه کاری تغییر اقلیم زیر نظر شورای اجتماع فرهنگی- اجتماعی آسه‌آن در سال ۲۰۰۹ بوده است.





## منابع

### الف - فارسی

- بوزان، باری؛ ویور، الی و پاپ دو ویلد (۱۳۸۶)، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جکسون، رابرت و گئورگ سورنسون (۱۳۸۳)، درآمدی بر روابط بین‌الملل، ترجمه مهدی ذاکریان، احمد تقی‌زاده و حسن سعید کلاهی، تهران: میزان.
- شیهان، مایکل (۱۳۸۸)، امنیت بین‌الملل، ترجمه سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۴)، «امنیت انسانی: مبانی مفهومی و الزامات راهبردی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره چهارم.
- کاویانی‌راد، مراد (۱۳۹۰)، «امنیت زیست‌محیطی از منظر ژئوپلتیک»، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، جلد ۲۰.
- مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۸۷)، «بررسی جنبه‌های مختلف امنیت زیست‌محیطی با رویکرد مکتب انتقادی»، مجله محیط‌شناسی، سال چهارم، شماره ۴.
- یزدان‌فام، محمود. ۱۳۸۶. «دگرگونی در نظریه‌ها و مفهوم امنیت بین‌المللی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۸.

### ب - انگلیسی

- Adler, Emanuel and Barnett, Michael (eds) (1998), *Security Communities*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Alagappa, Muthial (1998), *Asian Security: Key Facts and Explanations*, In: Alagappa, Muthial (ed.), *Asian Security Practice: Material and Ideational Influences*, Stanford: Stanford University Press.
- Anshory Yusuf, Arief and Herminia Francisco (2009), "Climate Change Vulnerability Mapping for Southeast Asia", *Economy and Environment Program for Southeast Asia*, available at: <http://www.eepsea.org>.
- Arab Human Development Report (2009), *United Nations Development Programme: Regional Burden for Arab States*, New York: United

- Nations.
- B.Yanga, Emmy Anne (19-20 may 2011), "Climate Change and ASEAN", Presented at the First International Conference in International Relations, Bangkok: Thammasat University.
- Bajpai, Kant (2000), **Human Security: Concept and Measurement**, New Delhi: Kroc Institute Occasional Paper, 19 August 2000.
- Bangkok Resolution on ASEAN Environment Cooperation, Available at: [www.asean.org](http://www.asean.org)
- Caballero-Anthony, Mely (2013), **ASEAN and Climate Change in Human Security and Climate Change in Southeast Asia**, Eds by Lorraine Elliot and Mely Caballero-Anthony, London and New York: Rputledge.
- Eizo, Obuchi (1999), **Opening Remarks in The Asian Crisis and Human Security**, Tokyo: Japan Center for International Exchange.
- Gerstl, Alfred (2010), "The Depoliticization and ASEANization of Human Security in Southeast Asia" Working Paper Prepared for Standing Group on International Relations, 7<sup>th</sup> Pan European International Relations Conference, Stockholm, 9-11 september.
- Lacy, Mark J. (2005), **Security and Climate Change**, London and New York: Rputledge.
- Mack, Andrew (2002), **Report on the Feasibility of Creating an Annual Human Security Report, Program on Humanitarian Policy and Conflict Research**, Harvard: Harvard University Press.
- Security Council News and Media Division (2007), Available at: [www.un.org](http://www.un.org)
- Sen, Amartya (2002), Basic Education and Human Security, **Kolkata**, 2-4 January 2002.
- Shultz, Richard (1997), **Security Studies for the 21<sup>st</sup> Century**, Potomac Books.
- Tadjbakhsh, Shahrbanou and Anuradha M. Chenoy (2007), **Human Security: Concepts and Implications**, London: Routledge.
- UNDP (United Nations Development Program) (1994), **Human Development Report 1994**, NewYork: Oxford University Press.